

به خلق شوروی

فراخوان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

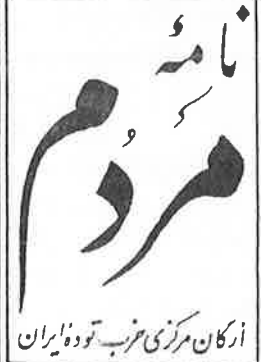
که یوغ بهره کشی سرمایه داری و بزرگ مالکی را پرانداخت منجر شد. در راس رهبری حزب بلشویک که طبقه کارگر و زحمتکشان روسیه را به عمل قهرمانانه انقلابی بپاخیزاند ولادیمیر ایلیچ لنین قرارداد است. اندیشه تئوریک او، سرمشق اخلاقی و میوه های فعالیت تحول آسایش سده ها خواهد زیست.

اکتبر کبیر امروز در کارهای ما ادامه می یابد؛ در کشور یک دگرگون سازی انجام می شود که از نظر محتوا کار سازنده انقلابی است و هدفش این است که پیشرفت جامعه سوسیالیستی را شتابان کند. مشی سیاسی حزب بقیه در ص ۴

رفقای گرامی!

هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نزدیک می شود. این یک جشن بزرگ خلق شوروی است. انقلاب ما - پرچسته ترین رویداد سده بیستم است که آغاز دوران نوینی را در زندگی بشریت نوبد داد. زمان، اهمیت ناگذرای آن را ثابت کرد. انقلاب امکانات عظیمی را که توسعه سوسیالیستی جامعه می گشاید نشان داد.

در شعور ما و در احساسات ما، اکتبر - موضوع والاترین افتخار ملی مردم شوروی است. انقلاب به پرواز بیسابقه آفرینندگی تاریخی توده ها و شب پرستاره خلق پیروزی



شماره ۱۴۷ دوره هفتم
سال سوم سه شنبه ۱۳۶۶/۱/۴
بها ۲۰ ریال

همه کسانی که به علل سیاسی و عقیدتی زندانی شده اند

باید بیدارنگ آزاد شوند

به هدفهای خود برسد، گروه کثیری از دختران و پسران، زنان و مردان ایرانی را که در "حقانیت" حکومت جهل و جنایت تردید دارند، خودسرانه به زندانها افکنده است و می خواهد زیر ضربات تازیانه و به کمک انواع شکنجه های مهیب روحی و جسمی همه را نابود و بیاسخ کند.

حتی اگر قانون اساسی جمهوری اسلامی را هم با همه نارسایی ها و کمبودهایش مینا قرار دهیم باز به این نتیجه می رسیم که اکثریت نزدیک به اتفاق زندانیان سیاسی ایران قربانی خودسری و قانون شکنی سران جمهوری اسلامی شده اند و هیچگونه محمل قانونی و اخلاقی برای در زندان نگهداشتن آنان وجود ندارد و نمی تواند وجود داشته باشد.

بر اساس اصل ۲۲ قانون اساسی ج.ا.ی، تقیض عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد. اما آیا سید علی خامنه ای رئیس جمهور هم اینطور فکر می کند؟ به بخشی از مصاحبه ایشان با مجله "سروش" بقیه در ص ۲

چند ماه پس از پایان اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در ایران، همچنان خبرهای نگران کننده ای از درون زندانها به بیرون در می کند. شکنجه گران می کوشند با تشدید فشار، انتقام شکست خود را از فرزندان اسیر خلق بگیرند. هنوز هم تعدادی از زندانیان را که در جریان اعتصاب غذا به سلول های انفرادی منتقل کرده بودند به محل قبلی باز نگردانده اند و آنانرا زیر فشار شدید گذاشته اند تا عقاید خود را نفي کنند. ضمناً تزریق داروهای سرطان زا که موجب بروز نوعی "شبه سرطان" می شود همچنان ادامه دارد و خطر مرگ زودرس بسیاری از زندانیان سیاسی و عقیدتی را تهدید می کند. همانطور که پیش از این نیز نوشتیم تا کنون چند نفر از زندانیان توده ای، از جمله رفیق رضا شلتوکی قربانی این عمل جنایتکارانه شده اند و در گروه بزرگی از زندانیان سیاسی جوانتر، عوارض شدید تزریق این داروهای توده ای شده است.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که می پندارد با پایمال کردن خشونت آمیز ابتدائی ترین آزادیهای سیاسی و اجتماعی و حتی انسانی می تواند

رژیم در قاتلش

برای دستیابی به بمب اتمی

در روز ۲۸ بهمن ماه خامنه ای، رئیس جمهور رژیم "ولایت فقیه" در جریان بازدید خود از سازمان انرژی اتمی، سخنانی را بر زبان آورد که به هیچ وجه نمی توان بسادگی و بیادیده اغماض از آنها گذشت، چرا که خود افشاگر نیت شوم عظمت طلبانه و جنگ خواهانه رژیم در تلاش برای دستیابی به جنگ افزار هسته ای است.

پیش از هر سخنی در این باره، بجاست خطوط اصلی گفته های خامنه ای را از نظر بگذرانیم. رئیس جمهور ابتدا از نیاز کشور ما به انرژی اتمی داد سخن داد:

"... در رابطه با انرژی اتمی این نیاز احساس می شود... و این خواست امروزه ماست"

"نیاز ما به تکنولوژی هسته ای بیشتر از این نظر مورد اهمیت است که ملت ما تلاش می کند وارد صحنه صنعت مدرن و نو شود و ورود به این مرحله نیاز به کار مستمر و خستگی ناپذیر همه برادران و اساتید فن و سرمایه گذاری گسترده در همه زمینه ها دارد"

خامنه ای سپس "با اشاره به کاربرد دیگر تکنولوژی هسته ای در کشورمان" یعنی کاربرد نظامی آن گفت:

"ملت ما همواره از خارج مورد تهدید بوده است و برای مقابله با این تهدیدات حداقل کاری که می توان صورت داد، این است که باید این تصور را در دشمنان ایجاد کنیم که ملت ما قادر به دفاع از خود است. هر قدمی که شما در اینجانب می دارید یک گام به طرف دفاع از کشور و انقلاب است و با این روحیه است که شما باید به کار خود سرعت و تداوم ببخشید" (اطلاعات ۶۵/۱۱/۲۹).

این سخنان را باید با خبری که سه روز بعد از ایراد آنها انتشار یافت، تکمیل کرد: نماینده ایران در مرکز بین المللی انرژی اتمی اعلام داشت که مواد قابل انفجار اتمی را به یک نیروگاه اتمی در دست ساختمان در بوشهر منتقل کرده است و هشدار بقیه در ص ۲

همدردی با آوارگان جنگی به مفهوم پشتیبانی از رژیم نیست

حق با اوست. این نمونه ها بسیار دیده شده و می شود.

روستائیشانی هستند که گاومزرعه شان، یعنی تنها سرمایه خود را، ذبح می کنند و یا گوسفندان شان را سر می برند و در سفره آوارگانی که به آنها پناه آورده اند می گذارند. در شهرها و روستاهای میهن ستم زده ما، زحمتکشانی که اندوخته ناچیزشان را پبای آسیب دیدگان جنگی "به امان خدا" رها شده می ریزند و حتی فرش زیرپایشان را می فروشدند تا بلکه بتوانند باری از دوش آنها که زخم های عمیق تری از جنگ خورده اند بردارند، بسیارند. بقیه در ص ۲

هاشمی رفسنجانی در دومین خطبه نماز جمعه هفتم اسفند گفت:

"فراوانند روستائینی که همه زندگی خود را در اختیار مردم مهاجر از شهرها گذاشته بودند و خود در چادر در صحرا زندگی می کردند. روستائیشانی که فقط یک اتاق داشتند و با نصب پرده ای در وسط اتاق از میهمانان خود پذیرائی کردند".

نامه ای از ایران

در ص ۷

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

رژیم در تلاش...

داد اگر این نیروگاه مورد حمله عراق قرار بگیرد خطر تشعشع اتمی بوجود خواهد آمد.

بدینسان رژیم، کشور ما را بسوی ورطهٔ بی‌هول و هراس تازه‌ای می‌راند. رهبران مرتجع جمهوری اسلامی با خیانت به آماجهای انقلاب در عرصه‌های گوناگون اجتماعی-اقتصادی از آن بین در زمینهٔ پیگیری برنامهٔ پژوهش‌های هسته‌ای شاه در راستای دستیابی به تکنولوژی پیچیدهٔ تولید بمب اتمی تلاشهای وسیعی را آغاز کرده‌اند و با جدیت دنبال می‌کنند. به سخنان خامنه‌ای باید دقیقاً از این زاویه نگریست. در این پیوند، حداقل باید سه پرسش را بدون پاسخ نگذاشت:

۱- آیا در شرایط کنونی، کشور ما نیازی به انرژی هسته‌ای دارد؟

کشور ما از یکی از پرمصرف‌ترین، غنی‌ترین و مرغوبترین منابع انرژی (یعنی نفت و گاز) در جهان برخوردار است. در حال حاضر، وزن مخصوص نفت و گاز در مصرف جهانی انرژی ۶۵ درصد است. ذخائر ثابت شدهٔ نفت خام ایران بیش از ۵۷ میلیارد بشکه و ذخائر گاز حدود ۱۲۵۵۰ میلیارد متر مکعب است. چنین ذخائر عظیمی از نفت و گاز گنجینهٔ انرژی و ثروت ملی بی‌بدیلی است که اندک شماری از کشورهای جهان از آن برخوردارند. اگر این ذخائر عظیم در شرایط کنونی که کشور ما نیاز به سرمایه‌گذاریهای کلان اقتصادی-اجتماعی دارد، بگونه‌ای بخردانه مورد بهره‌برداری قرار گیرد، نه تنها نیازی به انرژی هسته‌ای که بگفتهٔ خامنه‌ای احتیاج به "سرمایه‌گذاری گسترده در همهٔ زمینه‌ها دارد" نیست، بلکه می‌توان از درآمدهای حاصل از آن زمینه رشد و شکوفایی اقتصادی ملی را فراهم آورد. استخراج بی‌رویه و چوب‌خراش زدن به نفت و برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای دلارهای نفتی را به حلقوم سیری‌ناپذیر انحصارات امپریالیستی ریختن، راه به جایی جز تشدید وابستگی همه‌جانبهٔ کشور به امپریالیسم نخواهد بود. حال آنکه می‌توان از درآمد حاصل از فروش نفت بگونه‌ای معقول، در جهت ایجاد صنایع مادر، از جمله و بویژه در رشته‌های پالایش، یعنی تولید انواع فرآورده‌های نفتی و نیز صنایع پتروشیمی و همچنین صنایع مورد نیاز این رشته‌های حیاتی در داخل کشور بهره‌گیری کرد.

افزون بر اینها، در حالی رژیم از "نیاز به انرژی هسته‌ای" دم می‌زند که تنها در گچساران روزانه حدود ۵۰۰ مایون فوت مکعب گاز همراه با نفت سوزنده دود می‌شود. در عین حال یک نکته را نیز نباید از نظر دور داشت و آن اینکه حتی برای نیروگاههای تولید برق نیز می‌توان از گاز در مقیاس وسیع استفاده کرد. زیرا امکان دستیابی به تکنولوژی مورد نیاز در این زمینه و بهره‌برداری از آن ساده‌تر است.

۲- آیا کشور ما بضاعت علمی و فنی پیاده کردن پروژه‌های بفرنج و پیچیدهٔ هسته‌ای را دارد؟ کشور ما از قافلهٔ انقلاب علمی-فنی که رشد اقتصادی پیشرفته‌تر بر پایهٔ آن استوار می‌گردد، فاصلهٔ بس طولانی دارد. کار در زمینهٔ پروژه‌های هسته‌ای، به هیچ وجه با بضاعت علمی و فنی قدرت

صنعتی ما در مقیاس ملی پیوند ندارد، بلکه چنانکه گفتیم در راستای تشدید هر چه بیشتر وابستگی کشور به انحصارات فرامیلتی عمل می‌کند.

در شرایطی که کشور ما از کمبود نیروی کار ماهر و متخصص شدت رنج می‌برد و هر روز گروهی کارشناس خارجی برای به‌گرددش در آوردن چرخهای صنایع وابسته استخدام می‌کند، بدون تردید برای پیاده کردن پروژه‌های هسته‌ای در جمهوری اسلامی کاری از دست "برادران و اساتید فن" داخلی بر نمی‌آید، بلکه پیشبرد آنها تنها از طریق وارد کردن کارشناسان و متخصصان خارجی و یاری رسانی دولتها و انحصارات امپریالیستی امکان‌پذیر است. در همین جا باید یادآور شد که "مواد قابل انفجار اتمی" مورد اشارهٔ نمایندهٔ ایران در مرکز بین‌المللی انرژی اتمی، در داخل تولید شده است، بلکه یک کاسه از انحصارات امپریالیستی تحویل گرفته شده است. بر این بنیان، باید گفت کشورهای امپریالیستی زمینهٔ چپاول نوینی را در مین ما یافته‌اند. اگر امپریالیستهای ژاپنی مجتمع ۴ میلیارد دلاری پتروشیمی ایران-ژاپن را به اتمام رسانند، دیگر کشورهای امپریالیستی نیز که وعدهٔ تحویل تکنولوژی بمب اتمی را به جمهوری اسلامی داده‌اند، بقول خود وفا خواهند کرد تا رهبران مرتجع جمهوری اسلامی بتوانند با بهره‌برداری از آنها "انقلاب اسلامی" را به اقصی نقاط جهان "صادر" کنند.

۲- رژیم چه هدفی را از تلاش برای دستیابی به بمب اتمی دنبال می‌کند و پیامدهای آن چیست؟ خامنه‌ای هدف رژیم از دنبال کردن برنامهٔ هسته‌ای شاه و بویژه "کاربرد دیگر آن" یعنی کاربرد نظامی به دیگر سخن یعنی تولید بمب اتمی را، در معرض تهدید بودن "ملت ما" معرفی می‌کند. اگر با منطبق شاه و ریکان به مسئله بنگریم، دقیقاً همان می‌شود که آقای خامنه‌ای می‌گوید. ولی اگر به حکم عقل سلیم و به منطبق زندگی صلح‌آمیز و بری از گرایشهای عظمت‌طلبی و توسعه‌جویی بخواهیم گردن‌کذاریم و با احساس مسئولیت در قبال سرنوشت صلح جهانی و منافع و مصالح ملی کشورمان برخورد کنیم، آنگاه به خطر عظیمی که در پشت این اعمال و گفتار نهفته است، پی خواهیم برد. کشور ما برای دفاع در برابر کدام عامل تهدیدگر نیاز به بمب اتمی دارد. آیا این "تهدیدات" از همان نوع تهدیدات امپریالیسم ساخته نیست که بر مبنای آن با شاه قرارداد فروش تسلیحات پیشرفته همانند "آواکس"، جت‌های جنگندهٔ اف-۱۶ و تأسیس مرکز پژوهشهای اتمی را به امضا رساندند. آیا این "تهدیدات" از همان نوع تهدیدات نیست که شولتز و واینبرگر و ریکان شب و روز دربارهٔ آنها حنجره‌درانی می‌کنند تا ر سایهٔ آن برنامهٔ "جنگ ستارگان" را دنبال کنند و در مناطق گوناگون به مسابقهٔ تسلیحاتی دامن بزنند و با در این چارچوب، مثلاً در منطقهٔ ما، پاکستان را به داشتن بمب اتمی "مقتخر" سازند؟

بر هیچ کس پوشیده نیست که در جهان امروز بمب اتمی سلاح تدافعی بحساب نمی‌آید، بلکه جنگ‌افزار تهاجمی است. برداشتن هر گامی در راستای دستیابی به بمب اتمی، که صرفاً نمایانگر نیات پلید عظمت‌طلبانه و توسعه‌جویانهٔ سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی است، جز به وخامت بیشتر اوضاع منطقه و جهان نخواهد

بتهیهٔ انکارخانه‌ها...

سوءاستفاده از طرح ایجاد کارگاه فرش

در سیستان و بلوچستان

اواخر سال ۵۹، شرکت فرش ایران طی طرحی که به وزارت بازرگانی داد، ایجاد کارگاههای فرش بافی در استان محروم سیستان و بلوچستان را پیشنهاد کرد، با این هدف که هم امکان اشتغال به کار بخشی از مردم آن استان محروم فراهم شود و هم کمکی به اقتصاد کشور شده باشد. در طرح ادعا شده بود که در بدو امر ۱۲ هزار نیروی کار جذب می‌شوند و ماهانه ۵ هزار متر مربع فرش تولید خواهد شد.

طرح تصویب شد و از سال ۶۰ بودجهٔ مربوطه عملاً در اختیار شخصی بنام "عبدالعلی شاه کرم" سرپرست و مدیرعامل شرکت فرش در سیستان و بلوچستان قرار گرفت. این شخص، از همان سال ۶۰، به اتفاق حاکم سیستان و بلوچستان (که در حال حاضر به پاکستان فرار کرده و در آنجا اقامت دارد)، مدیر کل وزارت بازرگانی استان و تنی چند از مسئولان بلندپایهٔ استانداری دست به سوءاستفاده و اختلاس زدند که تا کنون ۹۳۰ میلیون ریال آن محرز شده است، ولی احتمالاً مبلغ مزبور بیش از این رقم است.

در اجرای این طرح چند کارگاه کوچک فرش در شهرهای زاهدان، سراوان و زابل تأسیس شد. مسئولان مربوطه با استخدام نوجوانان کمتر از ۱۶ سال، به عنوان کارآموز، هم آنان را تحت استثمار شدید قرار می‌دادند (دستمزد روزانهٔ اکثر آنها حدود ۶۰۰ ریال بود) و هم سوء استفاده از بیسوادی کارگران و بیشتر نشان دادن حقوق دریافتی آنها در لیستهای مربوطه، مابه‌التفاوت را که رقم زیادی می‌شد به جیب می‌زدند. آنها کارگران ناآگاه را مجبور می‌کردند که پای لیست حقوق انگشت بزنند.

گروه یادشده با پولهای بادآورده یک شرکت ساختمانی تأسیس کردند و نیز حواله‌هایی را که توسط مدیرکل وزارت بازرگانی استان برای اجرای طرح یادشده فرستاده می‌شد به مبالغ گزاف در بازار سیاه می‌فروختند. اختلاس و سوءاستفاده این "برادران حزب الهی" به شیوه‌های گوناگون انجام شد که شرح همهٔ آنها مستلزم وقت بسیار است. اختلاس آنچنان عمیق و گستاخانه بود که مسئولان شرکت فرش مجبور شدند شخص عبدالعلی شاه کرم، سرپرست طرح را، بازداشت کنند، ولی یکی از شرکای جرم او- یعنی حاکم شرع - به لاهور پاکستان گریخت. دیگر دست اندرکاران نیز فعلاً از پستهای خود برکنار شدند تا بعدها "رسالت" خود را در دیگر ارگانها و نهادها ادامه دهند.

انجامید. در شرایطی که نیروهای صلح‌دوست و در ردهٔ نخست آنها کشورهای سوسیالیستی در سراسر جهان برای نابودی جنگ‌افزارهای هسته‌ای بطور پیگیر مبارزه می‌کنند، شایسته است که همهٔ نیروهای انقلابی و مترقی و صلح‌دوست میهن‌مانیز به افشاگری پیرامون مقاصد شوم ضد ملی رژیم بپردازند و نقشه‌های ماجراجویانهٔ آن را نقش بر آب کنند.

همه کسانی که به علل ...

(۱۶ بهمن ۱۳۶۱) در آستانهٔ هجوم خائنانه به حزب توده، ایران توجه کنید: "مسئله اینست که چه عواملی ما را تهدید می‌کنند که شما به عناصر لیبرال و راست اشاره کردید. لکن اینها تنها کسانی نیستند که ما را تهدید می‌کنند. بلکه همه کسانی که در دل به انقلاب اسلامی نمی‌اندیشند و به هدفی جز آن فکر می‌کنند عناصر تهدید کننده هستند. اگر تشکیلات داشته باشند خطرشان بیشتر است... مادر بین طیف چپ عناصری را می‌بینیم که از لحاظ خطر کمتر از عناصر طیف راست نیستند بلکه بیشتر هم هستند".

اصل ۲۴ قانون اساسی دربارهٔ آزادی نشریات و مطبوعات است. ولی آیا از دهه‌ها روزنامه و مجله پس از انقلاب بهمن بجز "اطلاعات" و "کیهان" و "جمهوری اسلامی" و "ابرار" و "رسالت" چیزی بجای مانده است؟

در اصل ۲۶، تشکیل احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی... آزاد شناخته شده است. موسوی اردبیلی رئیس قوه قضائیه که مانند دیگر روحانیون حاکم از آزادی احزاب مثل جن از بسم الله می‌ترسد، طی مصاحبه با اطلاعات (۴ اسفند ۱۳۶۱) چنین می‌گوید: "جبهه اول جبهه ضد انقلاب بود که کلیه گروه‌ها و ضد انقلابها از منافع گرفته تا کمونیست، فدائی، پیکار، طاغوتی، لیبرال، محاربین و آنهایی که فعلاً محارب نیستند هر موقعی بخواهند محارب می‌شوند و آنهایی که سازمانی و تشکیلاتی کار می‌کنند و اینها یک جبهه بسیار قوی هستند که از خارج کمک و حمایت می‌شوند و در مبارزه با آنها سهم بیشتر را قوه قضائیه دارد و باید اعتراف کرد که قوه قضائیه در این مبارزه هم موفق بود".

آری، قوه قضائیه رژیم خائنانه به کسانی هجوم می‌برد که بزرگترین "گناهان" این است که "سازمانی و تشکیلاتی کار می‌کنند". مگر تدوین کنندگان قانون اساسی که تشکیل احزاب و جمعیت‌ها را آزاد اعلام کرده‌اند نمی‌دانستند که حزب و جمعیت بدون سازمان و تشکیلات نمی‌شود؟

اصل ۲۸ قانون اساسی می‌گوید: هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است".

گر چه وقاحت بیش از حد یکی از خصوصیات برجستهٔ پیروان شعار "مرگ بر ضد ولایت فقیه" است ولی حتی اگر از رفسنجانی، عوام فریب‌ترین رجل رژیم هم بپرسید که آیا زندانیان را شکنجه می‌کنید یا نه؟ جز اعتراف به اینکه شکنجه اگر بدستور "حاکم شرع" باشد نامش "تعزیر" است و شکنجه محسوب نمی‌شود، راه فرار دیگری ندارد.

آقایان "علما" برخلاف قانون اساسی ج.ا.م شکنجه می‌دهند، هم "اعتراف" می‌گیرند، هم وادار به شهادت دروغ می‌کنند و هم از قربانیان خود

همدردی با آوارگان جنگی ...

کمتر کسی است که ده‌ها نمونه از این فداکاری‌ها را در زندگی روزمره خود ندیده و یا پدید نداشته باشد. بویژه در شرایط کنونی که میلیون‌ها نفر از هموطنان ما زیر باران بمب و موشک قرار دارند و ناگزیر از ترک خانه و زندگی خود هستند، خصلت انسان دوستانه همدردی، نوع پرستی و پذیرائی جانانه از مهمانان به نحوی بارزتر از همیشه خود را نشان می‌دهد. اگر چنین نبود، قریب سه میلیون آواره جنگی روزگاری به مراتب تیره تر و دشوارتر از امروز داشتند.

اما رئیس مجلس، که به کلاهی و زبان باری معروف است چنین وانمود می‌کند که گویا روستانشینان و زحمتکشان شهری در حمایت از خمینی و پیروان او و در پشتیبانی مطلق از شعار ضد خلقی "چنگ، جنگ تا پیروزی" است که دست به فداکاری‌هایی از این قبیل که به شرم‌دریم می‌زنند، وی بر این اساس ادعا می‌کند که "اگر اینها نباشد نمی‌شود مقاومت کرد". زهی وقاحت و بی‌شرمی!

گذشتن احساس همدردی زحمتکشان با یکدیگر به حساب خمینی و دارودسته‌اش، از آن ادعاهایی است که با اصطلاح توی "کت زحمتکشان نمی‌رود و نفرتشان را بیش از پیش بر می‌انگیزد. امروز مردم ما پی برده‌اند که خمینی و همراهان جنگ طلبش در زمره دشمنان قسم خورده توده‌ها هستند. بنابراین بسیار کم‌اند اشخاصی که - یا به دلیل نفع طلبی و یا بدلیل ناآگاهی و سوءاستفاده شدن از باورهای مذهبی شان - در جهت حمایت از رژیم و افزایش بنیة مقاومت آن، به آسیب دیدگان جنگی و آوارگان کمک می‌کنند. مردم ما خیلی خوب می‌دانند که آوارگان جنگی از دوسو مورد تهاجم قرار گرفته‌اند: یک سو بمب افکن‌ها و موشک‌های عراقی و سوی دیگر فشارهای شدید رژیم. این هموطنان مصیبت زده از سهمیه غذای کافی، بهداشت و مسکن مناسب، آموزش فرزندان و دیگر حقوق تعیین شده محروم هستند. رژیم نه

فیلمبرداری می‌کنند و شوی تلویزیونی سرهم بندی می‌نمایند.

گروه کثیری زن و مرد را به گناه دگراندیشی، داشتن افکار و عقاید علمی، عدم رعایت حجاب من در آوردی، شریک قائل شدن برای "الله"، پیرو ادیان "غیر الهی" بودن و همچنین دفاع از حقوق زحمتکشان در زندانهای جمهوری اسلامی به‌بند کشیده‌اند.

تقریباً همه کسانی که اکنون بعنوان مجرمین سیاسی و عقیدتی در زندانهای جمهوری اسلامی بسر می‌برند، تنها بعزت دگراندیشی و وحشت عمیق حاکمیت از منطق قوی آنهاست که "عناصر تهدید کننده" محسوب می‌شوند و گرفتار زندان و شکنجه و تعزیر و تحقیر و توهین و ده‌ها خودسری غیر قانونی دیگر گردیده‌اند.

جمهوری "مرگ بر ضد ولایت فقیه" در شرایط

تنها برخلاف ادعاهائی که دارد به آنها کمک موثری نمی‌کند - و بهتر بگوئیم نمی‌تواند بکند - هراز گاهی این بی سر پناهان را به تهمت‌های ناروا و بهانه‌های گوناگون، بوسیله عوامل "حزب الهی" خود مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد. در حالیکه زحمتکشان نان خود را با پناه آوردگان ستمدیده تقسیم می‌کنند و داروندار شان را برای کمک به آنها به ثمن بخش می‌فروشند، حاکمیت ج.ا.م به مشتکی دزد و گرافروش و رباخوار و خلاصه انواع زالوصفتانی که با ترفندهای گوناگون خون مردم را می‌مکند، میدان می‌دهد که دمار از روزگار زحمتکشان برآورند. مردم ما دریافته‌اند که سران مرتجع ج.ا.م در معامله‌های کلان با انحصارهای نظامی و غیرنظامی امپریالیستی میلیون‌ها دلار رشوه می‌گیرند و پول‌های بادآورده را برای روز مبادا در بانک‌های خارجی ذخیره می‌کنند. در حالیکه آوارگان جنگی از ابتدائی‌ترین نیازهای زندگی محروم هستند و دائماً با گرسنگی و سرما و بیماری‌های مختلف دست پگریباندند، اغلب دولت‌مردان ج.ا.م از انواع امکان‌های تجملی برخوردارند. اتوموبیل‌های آخرین سیستم و قصرهای بزرگ و مجلل دارند و آنچنان در ناز و نعمت غوطه‌ورند که حتی فراموش می‌کنند که آوارگان بخت برگشته‌ای هم در جامعه وجود دارند.

رفسنجانی برای سوءاستفاده از باورهای مذهبی مردم، میزبانان زحمتکش را به "انصار" و آوارگان جنگی را به "مهاجرین" و خمینی جنایتکار را به پیامبر اسلام تشبیه می‌کند و چنین ادعا می‌کند که گویا ("افتخاراتی که ما امروز در کشورمان به آن دست می‌یابیم افتخارات مهاجرین و انصار در خدمت پیامبر را تحت الشعاع قرار می‌دهد". او نمی‌داند که دوره این چرب زبانی‌ها دیگر سپری شده است. دیر یا زود دست نیرومند زحمتکشان - که از احساسات میهن دوستانه، نوع پرستی و باورهای مذهبی شان سوءاستفاده می‌شود پوزه‌های کثیف و دروغ‌ساز این خائنان لاف زن را پخاک خواهد مالید.

رعایت آزادیهای سیاسی و اجتماعی قادر به رویارویی با دارندگان عقاید علمی و انسانیهای آزاد اندیش و متفکر نیست. بدین جهت زندان و تازیان و شکنجه رایگانه وسیله مؤثر باقی ماندن بر اینکه قدرت می‌داند. ولی این شیوه‌های جنایتکارانه در دوران کنونی، در دوران استفاده از انرژی هسته‌ای و سفرهای کیهانی، در عصر انقلاب علمی - فنی، الکترونیکی و بیوتکنولوژی محکوم به شکست مفتضحانه است.

مردم ایران تسلیم ترور و ارتجاع نخواهند شد و با تمام امکانات در راه آزادی زندانیان سیاسی و دفاع از منافع کارگران و دهقانان و پشتیبانی از خواسته‌های عادلانهٔ زنان محروم و بخاطر دانش و فرهنگ و هنر مترقی و حفظ هویت ایرانی خود مبارزه خواهند کرد.

کارگران مبارز! برای دستیابی به خواسته‌های صنفی و سیاسی خود، متشکل و متحد شوید!

فراخوان کمیته مرکزی

پلنوم ماه آوریل کمیته مرکزی و کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی بعنوان بازتاب اراده خلق در همین راستاست.

در پلنوم کمیته مرکزی که در ماه ژانویه برگزار شد تصمیمات عظیم و مهم اصولی اتخاذ گردید. این تصمیمات حزب و خلق را با تئوری دگرگونسازی مجهز و آنها را برای اصلاحات ژرفتر و اتخاذ تدابیر شجاعانه‌ای که در رسالت بهره‌مندکردن سوسیالیسم از مدرن‌ترین شکل‌های سازمانهای اجتماعی را دارند بسیج می‌کنند. کشور ما نخستین جایی است که در آن سوسیالیسم در عمل تحقق یافته است. پیروزی اکتبر پایه‌های آن نظر تاریخی بیسابقه گذران اجتماعی مردم را استوار کرد؛ در سیاست - حاکمیت زحمتکشان، در اقتصاد - مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید، در مناسبات انسانی - روح کار جمعی و همبازی رفیقانه. در این دگرگونی‌های انقلابی - آغازآغازها و سرچشمه پایان‌ناپذیر نیروی حیاتی نظام سوسیالیستی نهفته است.

اکتبر کبیر و سوسیالیسم، میهن ما را از آن رنج و تنگدستی که هم اکنون نیز زندگی خلقهای بسیاری از کشورهای جهان را مسموم می‌کند رها نید. نزد ما دیگر بهره‌کشی انسان از انسان نیست. بیکاری نیست. یوغ ستم ملی نیست. فقر و بیسوادی نیست. مردم زحمتکش در شرایط نامین اجتماعی و اطمینان به فردا زندگی می‌کنند.

انقلاب اکتبر از اینرو انجام شد، و از اینروست که سوسیالیسم وجود دارد.

در روند ساختمان سوسیالیسم کشور ما تبدیل به یک دولت پرتوان صنعتی، با ظرفیت اقتصادی و علمی - فنی نیرومند گردید. یکی از بالاترین سطوح آموزش توده‌ها در مقیاس جهانی بدست آمد. در خانه‌های زحمتکشان بهروزی راه یافت. خدمات پزشکی رایگان، دلسوزی دولت برای مادر و کودک، برای پیشکسوتان جنگ و کار و شهروندان سالخورده، قاعده عادی زندگی شد. هر روز هزاران خانواده وارد خانه‌های نوساز می‌شوند.

در کشور ما دگرگونی‌های سترگی در عرصه فرهنگ پدیدار شده است. سوسیالیسم، بمثابه نظامی که می‌تواند جایگزین انساندوستانه‌ای در برابر زورگویی و کارهای ضدانسانی و فقر معنوی جامعه پورژوازی شود، بمثابه نظامی که ارزشهای اصیل تمدن را حفظ و تکثیر می‌کند خود را به جهان عرضه می‌دارد و در سایه این استعداد و جهت‌گیری، آن فرهنگی را که برپایه تجارت و سودجویی بنا شده است نفی می‌کند.

امروزه ما تلاش می‌ورزیم که اقتصاد شوروی را به سطح عالی کارایی و ترقی علمی - فنی در جهان اعتلاء دهیم. از این راه پایه رشد بعدی بهروزی خلق و همچنین تکامل همه جانبه همه اعضای جامعه و برآوردن نیازهای مادی و معنوی مردم بگونه‌ای چشمگیر گسترش خواهد یافت.

در این راستا اکتبر و سوسیالیسم راهکشا بودند.

پیروزی انقلاب سوسیالیستی حقوق و آزادیهای واقعی را برای انسان زحمتکش تحکیم کرد و حاکمیت شوروی را پایه گذارد. حاکمیتی که دمکراتیک‌ترین شکل زندگی دولتی برگزیده خلق است. در نظام سیاسی شوروی همه پیش شرط‌های لازم برای گسترش دمکراسی به حد اکثر و ایتکار خلق وجود دارد.

این نظام زاده اکتبر است و سوسیالیسم آن را برپا کرده است. سوسیالیسم حل مسئله ملی را در کشور ما پایه گذاشت. در سالهای حکومت شوروی برابری خلقها و همکاری برادرانه آنها در عمل تحکیم گردید. اقتصاد و فرهنگ همه جمهوری‌ها اعتلاء یافت. یک خلق واحد شوروی شکل گرفت که به دستاوردهای مشترک خود می‌بالد و آماده است از دستاوردهای سوسیالیستی خویش در برابر هرگونه جنگ اندازی دفاع کند.

تکامل مناسبات ملی مانند هر امر زنده دیگری، مسایل نوبنی را مطرح می‌سازد. این مسایل موافق اصول سیاست ملی لنینی که نسبت به هر آنچه که به منافع ملی لطمه می‌زند و حساس و نسبت به هر جلوه‌ای از ناسیونالیسم و شوینیس آشتی‌ناپذیر است حل شده‌اند و حل خواهند شد.

ترقی کشور در مسیر بهروزی هر ملت و ملیت، بسود نزدیکی بیشتر آنها و بسود منافع اتحاد خلل‌ناپذیر ما حرکت می‌کند و خواهد کرد. خلقهای اتحاد

شوروی با دوستی محکم، انترناسیونالیسم سوسیالیستی و میهن پرستی شوروی با هم متحد شده‌اند.

این رهاورد اکتبر برای ماست، این رهاورد سوسیالیسم برای ماست. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که زیر تاثیر انقلاب ما بگونه‌ای ژرف تغییر کرده است. دیگر پیش از یک سوم بشریت زنجیر بهره‌کشی سرمایه‌داری را پدورانداخته است. سوسیالیسم وجود دارد، توسعه می‌یابد و بمثابه یک نظام جهانی استوار می‌گردد. امپراطوری‌های استعماری دیگر یافت نمی‌شود و دهها دولت مستقل جوان جای آنها را گرفته است.

نیروی پرولتاریای بین‌المللی که احزاب مارکسیستی - لنینیستی، کمونیستی و کارگری بیانگر منافع هستند افزایش یافته است. جنبش‌های وسیع دمکراتیک، ضد امپریالیستی و ضد جنگ گسترش می‌یابد. بحران عمومی سرمایه‌داری تعمیق می‌شود.

سیمای اجتماعی - سیاسی کنونی جهان - نتیجه قانونمند آن روند تاریخی است که اکتبر آغازگر بنیانگذاریش بود.

نخستین گامهای ما را در راه ساختمان سوسیالیسم ولادیمیر ایلیچ لنین رهبری کرده است. او امروز هم با ماست؛ دگرگونسازی، روح انقلابی لنین را در زندگی حزب و کشور پیوسته ژرفتر تحکیم می‌کند.

امروزه تمام کسانی نیز که خود را وقف امر کبیر سوسیالیسم کردند ما هستند. در خاطر حق شناس مردم شوروی انقلابی‌های لنینی، یاران ایلیچ که سنت‌های قهرمانانه بلشویسم را پایه گذارند و از میان همه دشواریها و آزمایشها، وفادارانه و تزلزل‌ناپذیر درفش آرمانهای کمونیستی را بدوش کشیدند جاودانه خواهند زیست.

نامها و سیمای شرکت‌کنندگان در سه انقلاب روسیه، آنان که در اکتبر سال ۱۹۱۷ حاکمیت ملاکان و سرمایه‌داران را نابود کردند، کم رنگ نخواهد شد.

یاد قهرمانان جنگ داخلی و همه کسانی که در برابر مداخله امپریالیستی و اعضای گارد سفید از جمهوری شوروا دفاع کردند، مقدس است. خلق ما مبارزان انترناسیونالیست خارجی را که فریاد می‌کشیدند "دستها از روسیه شوروی کوتاه!" و سلاح پرکف به دفاع از دستاوردهای اکتبر بپاخواستند فراموش نخواهد کرد.

شادی و شرف ما نسبت به آنچه که شیفتگان نخستین برنامه‌های پنجساله انجام داده‌اند، برپاکنندگان صنایع پرتوان، سازندگان اقتصاد جمعی روستایی و آفرینندگان فرهنگ سوسیالیستی به خاموشی نمی‌گراید.

دلوری انسان شوروی، چه سرباز و چه زحمتکش، در جنگ کبیر میهنی جاودانه است. ما در برابر خاطره از پای درآمدگان برای شرف و آزادی میهن سوسیالیستی که از زندگی خود در راه نجات دنیا از طاعون فاشیسم گذشته سر فرود می‌آوریم. ما با احترام و حق شناسی از سربازان، میهن پرستان و ضدفاشیست‌های دیگر کشورها - متحدان و همزمان خود در این نبرد آزادیبخش یاد می‌کنیم.

میهن همیشه از شجاعت در کار و نیرومندی روان انسانهای شوروی که پس از جنگ‌های سهمگین، بر ویرانه‌ها، شهرها و روستاها را بالا بردند، کشور را زندگی تازه بخشیدند و آن را بازم نیرومندتر ساختند بخود خواهند بالید. رفقا!

همه آن دشواریها و آزمونهایی که در انتظار راهگشایان تاریخ است بر سر ما آمد. آنها ما را از حرکت باز نداشتند. ما موختم بر آنها چیره شویم و چیره شدیم.

ساختمان سوسیالیسم در اوضاع و احوال هرج و مرج اقتصادی و ویرانی از جنگ آغاز شد. تقریباً سه دهه، اتحاد شوروی یک و تنها در برابر جهان سرمایه‌داری ایستادگی کرد و پیوسته در معرض فشار و شانتاژ امپریالیستی قرار داشت. در جنگ علیه تجاوز هیتلری کشور بیست میلیون از پسران و دختران خود را از دست داد و از یک سوم ثروت‌های طبیعی‌اش محروم گردید. می‌بایست سالهای سال با حداکثر تنش نیروها، همراه با محروم کردن خود از لازم‌ترین چیزها زندگی کرد.

ما پایداری کردیم، ما را به زانو در نیاروندند و درهم نشکستند. اما چیزهای دیگری هم بود. می‌بایست بهای گزافی برای بازپس نشینی از اصول و شیوه‌های لنینی ساختمان جامعه نوین، برای نقض قانونیت

دارندگان مقامها بگذرانند. اگر از برخورد اداری و فرماندهی، از قواعد و ممنوعیت های غیر ضرور دست کشیده نشود و دیوار ناپاوری کارمندی نسبت به خود و تجربه مردم و اینکه قادرند مانند صاحب کار و دولت‌مرد به امور برخورد کنند نشکند نمی‌توان با موفقیت به پیش رفت.

دمکراسی سوسیالیستی - یعنی گسترش خودگردانی خلق در سطح و در عمق و مسابقه آزاد عقول و استعدادها، دمکراسی راستین بنا به ماهیت خود سازنده است. این دمکراسی دشمن آشتی‌ناپذیر بی‌مسئولیتی، عوام فریبی و خودسری است.

حزب این اصل را در زندگی پیگیرانه تحقق می‌بخشد؛ نه یک سازمان و نه یک کارگر نباید بیرون از عرصه کنترل و انتقاد بماند. پیوسته بیشتر کسانی به مقامات رهبری اعتلا می‌یابند که به شیوه‌ای متناسب با دنیای معاصر می‌اندیشند و آماده اند بخاطر اعمال خود در برابر مردم پاسخگو باشند.

با گسترش دمکراسی، با تحکیم قانونیت سوسیالیستی، با توسعه فعالیت شورای نمایندگان خلق، اتحادیه‌های شغلی، کامسامل و دیگر سازمانهای اجتماعی، با اعتلای شایستگی شخصیت، گسترش همه جانبه حقوق شهروندان و کلکتیوهای کار، ما فضا را برای مقتدرترین نیروهای سازنده سوسیالیسم - کار آزاد انسان آزاد، در کشوری آزاد باز می‌کنیم.

رفقا!

کمیته مرکزی همه مردم شوری را فرامی‌خواند که سرشار از آگاهی و احساس مسئولیت برای سیمای آینده کشور و برای سرنوشت سوسیالیسم باشند. آنچه پس از انقلاب اکثراً، در ده‌ها سال ساختمان سوسیالیستی بدست آمده تصویر با عظمتی است. اما زمان ما را به ستیزه جویی نوینی فرامی‌خواند. در شرایط دگرگون شده، همانطور که در پلنوم ماه ژانویه کمیته مرکزی تاکید شد، جامعه ما پارديگر از نظر پویایی و توانایی بالا رفتن سریع از مدارج ترقی مورد آزمایش قرار می‌گیرد.

اقتصاد ما از نظر کارایی و قابلیت پذیرفتن تکنولوژی های پیشرفته، قابلیت تولید محصولات درجه اول، ایستادگی در مقابل هرگونه رقابت در بازار جهانی آزمون می‌شود. اخلاق ما و تمام سیمای زندگی ما از نظر استعداد توسعه یافتن بی‌انحراف و غنی ساختن ارزش های دمکراسی سوسیالیستی، عدالت اجتماعی و انساندوستی زیر آزمایش است و سیاست خارجی ما از نظر استحکام و پیگیری در دفاع از صلح، نرمش و استواری در شرایط آلود مسابقه تسلیحاتی که تنش بین المللی را متراکم تر می‌کند.

سراسر جهان به خلق شوری، به زادگاه اکثراً می‌نگرد؛ آیا ما موفق خواهیم شد، آیا با شایستگی به آنچه که سوسیالیسم را به ستیز فرامی‌خواند پاسخ خواهیم گفت.

کمیته مرکزی به شرافت کاری، غرور شغلی زحمتکشان، به میهن پرستی مردم شوری خطاب می‌کند. امروز ما روی تحقق خواستهای برنامه پنجساله دوازدهم کار می‌کنیم که در برنامه شتابان کردن نقش کلیدی دارد. باید در زمانی کوتاه اعتلای کیفی در اقتصاد را تامین کرد و زمینه های مستحکمی برای دورنمای آینده پرپاسخت. این وظیفه در مرکز مسابقه برای پیشواز شایسته از هفتادمین سال اکتبر قرارداد و حل موفقیت آمیز آن تابع برخورد شخصی هر شرکت کننده در آن به امر تولید اجتماعی است و از این تبعیت می‌کند که آوای وجدان کار تا چه اندازه پر توقع در کلکتیوها طنین انداز خواهد شد.

نقش اتحادیه‌های شغلی در اینجا عظیم و پر مسئولیت است. دگرگونسازی از آنان می‌طلبد که سازمان دهندگان خستگی ناپذیر زحمتکشان در مبارزه برای فرهنگ مدرن تولید و کاردانی به حد والا شوند.

از سده های دور سرزمین ما به داشتن استادکاران شهرت داشته است. آنان استادکارانی یعنی واقعی کلمه بودند و اجازه نمی‌دادند این امکان از آنان سلب شود که طوری کار کنند تا آوازه شهرشان به سراسر جهان برسد. در تاریخ کشور شوراها چنین نمونه‌هایی اندک نیست که کارگران، دانشمندان، مهندسان و سازندگان نتایجی بدست آورند که برتر از دستاوردهای جهانی باشد. امروزه نیروی ما پیش از اینها را امکان می‌دهد.

کمیته مرکزی به خرد و تجربه مردم شوری خطاب می‌کند. نسخه‌های آماده برای همه وقایع زندگی وجود ندارد. بگذار دگرگونسازی تبدیل به بقیه در ص ۶

سوسیالیستی، قواعد دمکراتیک زندگی در حزب و جامعه، برای اشتباهات اراده گریزانه، برای جزم اندیشی در تفکر و ماندگاری در فعالیت عملی پرداخته شود.

در پایان سالهای هفتاد و آغاز سالهای هشتاد در جامعه ما گرایش‌هایی به رکود پدیدار شد. انباشت دشواریها، مسایل حل نشده و پدیده‌های بیگانه با سوسیالیسم شروع گردید. این را حزب و تمام خلق شوری احساس کردند و از آن دچار تشویش شدند. کمیته مرکزی خواهان آن شد که با قاطعیت انقلابی، کارهای ما و سراسر زندگی ما بسوی وضع بهتر برگردانده شود.

جهت گیری اتخاذ شده در پلنوم ماه آوریل را زحمتکشان پمنا به امر متعلق بخود پذیرفتند. نوازیی انتقاد از خود چدی در حزب، صداقت در سیاست، توانایی تدوین تدابیری که برای برون رفت از اوضاع دشوار لازم است و دست زدن به تحقق بی‌درنگ آنها - همه اینها از پشتیبانی خلقی گسترده برخوردار شد.

کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی به شیوه‌ای لنینی درباره دورانی که از سر می‌گذرانیم اندیشید و در تصمیمات خود، سترگی آماجها را با واقع بینی پیرامون امکانات درهم آمیخت. کنگره یک درس حقیقت شد که دارای ارزش سیاسی و اخلاقی ناگذراست. آشتی‌ناپذیری و صداقت در ارزیابی همه آن چیزهایی که مانع از حرکت به پیش می‌شود - این یک موضعگیری اصولی، لنینی و نشاتگر نیروی حزب است.

لنین در زمان خود گفت: هنگامی که در برابر ما "... مسایل عملی نوینی قرار گرفته اند، برای حل این مسایل نیروهای تازه‌ای یعنی واقعی کلمه از زمین روئیده‌اند، که در آستانه دگرگونی هنوز هیچکس گمانش را هم نمی‌کرد". امروز نیز چنین است: در حزب و خلق نیروهای تازه‌ای که تا دیروز خود را نشان نمی‌دادند می‌روند و به امر انقلابی دگرگونسازی می‌پیوندند.

کشور به حرکت درآمد و نفس تازه کرد. جو اخلاقی تمیزتری در جامعه برقرار گردید. زندگی معنوی چالب تر و متنوع تر شده است. علنیت و صداقت، انتقاد و سخت گیری پمنا به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره تحکیم می‌شود.

استراتژی و تاکتیک بازسازی ژرف اقتصاد ملی در زندگی پیگیرانه تحقق می‌پذیرد. مدیریت مهمترین شاخه‌های اقتصاد تجدید سازمان می‌یابد. اهم های مکانیسم نوین اقتصادی وارد عمل می‌گردد. تعداد کلکتیوهای کار که با اطمینان، امر افزایش کارایی و مقرون بصره بودن را سا مان می‌بخشند رشد می‌کند. تولید از نظر فنی در حال تجدید تجهیزات است. تدابیری به منظور بهبود ریشه‌ای کیفیت محصولات تحقق می‌پذیرد. در نخستین سال برنامه پنجساله، اقتصاد ملی، از نظر نشانه‌های اصلی، از مرز های برنامه ریزی شده گذشته است.

اما نباید فریفته این دستاوردها شد. تنها نخستین گامها برداشته شده است. کار اصلی هنوز در پیش است.

آیا برای اطمینان به این که کار پیش خواهد رفت، که روند دگرگونسازی متوقف نخواهد شد، که خطاهای گذشته تکرار نخواهد گردید تضمین‌هایی وجود دارد؟

آری، وجود دارد. خلق به دگرگونسازی علاقمند است. طبقه کارگر - نیروی رهبری کننده جامعه شوری - عمیقاً به آن علاقه دارد. دگرگونسازی را حزب رهبری می‌کند. حزبی که در عمل، توانایی خود را در این راستا که با یافشاری انقلابی برای حل مسایل نوین مبارزه کند نشان می‌دهد و برای نوسازی شکل‌ها و شیوه‌های متعلق به خود، آمادگی و نیرو دارد.

تضمین اینکه وظیفه استراتژیک بردن جامعه به وضع کیفی‌تاً نوین حل خواهد شد، نیات یکسان و اعمال مشترک حزب و خلق است که تجربه گذشته‌ها و درک مسئولیت درباره حال و آینده کشور آنها را یکپارچه می‌کند.

دمکراسی بیشتر - یعنی سوسیالیسم بیشتر.

هر آنچه که لازم است باید انجام گیرد و انجام خواهد گرفت تا زحمتکشان امکان داشته باشند عملاً تاثیر قاطع، هم بر شکل بخشی و هم بر فعالیت ارگانهای دولتی و اجتماعی، بر کار و زندگی کلکتیوهای کار در شرایط علنیت کامل و کنترل از پایین و همچنین گزارش دهی و انتخابی بودن

بقیه از صفحه ۵

آزمایشگاه آفرینندگی همه خلقی شود. ما پراتیک نوسازی را با دقت و نقادانه مورد تفحص قرار خواهیم داد. هر ذره تجربه پیشرو را ارج خواهیم گذاشت، از آن پشتیبانی خواهیم کرد و آن را توسعه خواهیم داد. اندیشه زنده و آزاد شرط حتمی شتابان سازی است.

حزب پیوسته از خلق می آموزد. او خرد جمعی را از خلق فرامی گیرد، سیاست خود را با تجربه توده ها به محک می زند و تکلیف خود می داند آنچه را که خلق درک می کند پدرستی بیان نماید.

کمیته مرکزی به سردانگی خلق شوروی خطاب می کند. درهم شکستن شکلها، شیوه ها و عادات کهنه شده به آسانی میسر نمی شود. برای دگرگونسازی باید مبارزه کرد، از دگرگونسازی باید مدافعه کرد. در اینجا سرسختی، استحکام و اصولیت لازم است. هم شخصیت و هم از خود گذشتگی مورد نیاز است. نه یکبار، مردانگی و بردباری و پایداری خلق شوروی که در ترازوی تاریخ گذاشته شده به پیروزی انجامیده است. حزب اطمینان دارد که اکنون نیز چنین خواهد بود.

کمیته مرکزی به احساسات میهنی مردم شوروی خطاب می کند. کشور دوران چالب و پر مطالبه ای را از سر می گذراند، هنگامی که هر شهروندی گزینش اخلاقی خود را می کند. کاری را که ما آغاز کرده ایم نمی توان با دستهای بی تفاوت و قلب های سرد انجام داد. تمام ماهیت کاری آغاز کرده ایم اخلاق خرده بورژوازی و دمسازی، تماشاگران کنار گود و مصرف کنندگان تهی از معنویت را مردود می شمارد. برای دگرگونسازی اشخاصی لازمند که با دل و جان کار را دنبال کنند و نسبت به مدیریت بدون مسامحه کاری، سختگیر و تحمل ناپذیر باشند. برای این کار آنگونه مبارزان سیاسی لازمند که از صمیم قلب به آرمانهای کمونیستی وفادار باشند و توانایی آن را که ارزشهای بزرگ اجتماعی - اخلاقی و فرهنگی ما را پاس دارند و افزایش دهند داشته باشند.

حزب و خلق امید فراوانی به جوانان پیرانرژی، تشنه تحولات و دارای واکنش تند نسبت به کمبودها و نارساییها پسته است. به جوانان پایستی امکان داد در کار مستقل هر چه بیشتر خود را بنمایانند. زمان گستره وسیعی را برای فعالیت کامسمل، این رهبر واقعی جوانان رزمنده، جستجوگر کارهای جدی، آزاد از بوروکراسی و سازمان بازی می کشاید.

کمیته مرکزی به اعضای حزب کمونیست اتحاد شوروی خطاب می کند. رفقای کمونیست، با زندگی روزمره خود نشان دهید که مسئولیت بزرگ سیاسی را که در این دوران دگرگونی بزرگ به حزب کمونیست اتحاد شوروی، بمقابله حزب حاکم تعلق گرفته است و مسئولیت عظیم سیاسی خود را درک می کنید و با آن همگام هستید. بخاطر داشته باشید که خلق، متناسب با رفتار و کردار شما نسبت به حزب داوری خواهد کرد. از شما پیش از هر چیز کار فداکارانه، دلیری و نوآوری خواسته می شود. همواره و در همه موارد وظیفه یک کمونیست است که تنها با وجدان حزبی عمل کند. امر پیشرفت روند نوسازی اجتماعی به ابتکارات شخصی شما وابسته است.

کمیته مرکزی همه مردم شوروی را فرامی خواند در مقیاس کامل درک کنند که کار روزانه ما و هر گام در راستای شتابان کردن توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور پیوسته وزن بیشتری در سیاست جهانی بدست می آورد.

هفتاد سالگی اکتبر در وضعی آغاز می شود که خود نسل بشر در برابر مسئله بقاء قرار گرفته است. آینده جهان - جهان متضاد اما متحد و بایبوندهای متقابل - امروز تعیین می شود. سیاره ما می تواند و باید از تهدید جنگ هسته ای نجات داده شود. برای همه خلقها، زندگی در شرایط امنیت، استقلال و ترقی، می تواند و باید تامین گردد. در اینجا همه چیز وابسته به ما - اتحاد شوروی و سوسیالیسم نیست. اما آنچه وابسته به ماست انجام می دهیم و بنحو کامل هم انجام می دهیم.

مشی حزب و دولت ما در سیاست جهانی بگونه ای پیگیر صلح آمیز است. ما نسبت به مسایل بین المللی واقع بینانه و با نرمش برخورد می کنیم و رهنمون ما نواندیشی سیاسی است. ما بدون انحراف کار را به آنجا خواهیم برد که در آستانه هزاره سوم، دولتها کلاهخود و سپر هسته ای را بدور افکنند، نگذارند این جنگ افزار در فضای کیهانی مستقر شود و در روی زمین آن را کاهش دهند و در حساب آخر ناپود سازند.

اما تا هنگامی که ارتجاع بین المللی واقع بینانه و با نرمش برخورد می کنیم و دست نکشد، حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی همه کارهای لازم را برای حفظ توان دفاعی کشور ما و جامعه کشورهای سوسیالیستی در سطح لازم خود انجام خواهند داد. مردم شوروی می توانند مطمئن باشند: ما هیچگاه و در هیچ اوضاع و احوالی اجازه کسب پرتری نظامی را به امپریالیسم نخواهیم داد.

تمام اقتدار سیاسی و مجموعه نفوذ بین المللی کشور ما در راستای مبارزه برای صلح متوجه است. هر قدر کارها در خانه ما بهتر پیش برود و همکاری ما با کشورهای برادر سوسیالیستی ژرفتر باشد، این مبارزه همانقدر فعالانه تر خواهد بود. سوسیالیسم و صلح جدایی ناپذیرند. هر قدر سوسیالیسم نیرومندتر باشد، همانقدر صلح مستحکم تر است.

رفقای گرامی

در نزد ما تمام جامعه در یک سوی سنگر است. هدف حزب و خلق یکی است. منافع ریشه ای طبقه کارگر، دهقانان کالخوزی و روشنفکران، منافع یکسانی است. امر نسل سالخورده، پیشکسوتان ساختمان سوسیالیستی و جانشینان جوانشان، یک امر است. سرنوشت هر ملت و ملیت، هر جمهوری و سراسراتحاد شوروی - یک سرنوشت است.

آرمانهای اکتبر ما را بنام پهلوی خلق شوروی، بنام شکوفایی زادگاه، بنام سوسیالیسم و صلح، به کار فرامی خواند. خرد خویش، اراده خویش و انرژی خویش را در یک مجموعه متحد کنیم. این نیروی شکست ناپذیر را پسوی حل مسایل تازه ای که در برابر ما قرار گرفته است متوجه سازیم. هر آنچه را که در برنامه ها پیش بینی شده است تحقق بخشیم، امر انقلابی اکتبر را با شایستگی دنبال کنیم!

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

قیاس مع الارق

غلامرضا عمید، "معاون رئیس کل دادگاه های عمومی تهران..." "در زبان فارسی اثری بزرگتر از قانون مدنی و گلستان نداریم". (اطلاعات - ۱۵ دی ۶۵)

آب پاکی بر سر رژیم ستمشاهی

غلامرضا عمید، معاون رئیس کل دادگاه های عمومی تهران و سرپرست دادگاه های حقوقی: آرائی که دادگاه های حقوقی قبل از انقلاب صادر می کردند طبق موازین شرع بود، زیرا قانون مدنی که مبنای دادگاه حقوقی قرار دارد و از فقه جعفری اقتباس شده است." (همانجا)

دروغ مصلحت آمیز به ان راست فتنه انگیز

سید حسین قاضی زاده هاشمی نماینده فریمان، سرخس، احمدآباد: "چرا دادستان عمومی مشهد مغایر با اصول ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی، از اینجانب بعنوان نماینده مجلس تعهد کتبی می خواهد که در مورد جلوگیری از کشت دیم و طرح احیاء مراتع سرخس و در مورد جریان روستای "فندقل" فریمان که طفلی بر اثر تصادف خودرو کمیته مرحوم می شود، اگر مردم در برنامه رادبوتی سؤال کردند، نباید پاسخ بدهم؟ و وقتی که قبول نمی کنم بدون جهت ۲۶ ساعت بازداشت می شوم و بعد که به صدا و سیما می روم، با فشار دادسرای عمومی مشهد از بخش قسمتی از اظهاراتم جلوگیری می شود که نوار آن اینجا موجود است" (اطلاعات، ۶ بهمن ۶۵).

گفته ها و نوشته ها

روی سخن با ترکیه عضو بهمان امپریالیستی

"ناتو" است

خامنه ای در دیدار با سفیر جدید ترکیه در ایران:

"در صحنه سیاسی جهان بهروشنی احساس می شود که عناصر و ابادی وابسته ای وجود دارند که سعی در تضعیف روابط ملل مسلمان دارند و لذا آن انگیزه ای که می تواند دو کشور ایران و ترکیه و هر مجموعه ای از کشورها را در مقابل این فشارها مصونیت بخشد و آنان را مقاومتر سازد، ارتباطات مستحکم میان آنهاست" ("اطلاعات" ۱ بهمن ۶۵).

نامه‌ای از ایران

تصویرها، دیروز، امروز

دهرود ،

بهار ۶۲

چهره های تکیده و مجاله شده رفقا بر صفحه تلویزیون، بیگانگی لبها و چشمها و کلمات، عدم هماهنگی و ممبیک چهره ها - و استفراغ کلمات بر سیمای جمهوری اسلامی.

شعبه ای دیگر با شرکت "سربازان گمنام" و "سیا" و دیگر بار "انحلال" حزب و سیل تهمت ها و دروغها...

زان پس، افتادن و برخاستن ها در سیاهچالهایی که خون و فریاد درهم آمیخته بود. و حماسه ها، و مقاومتها در نبرد نابرابر.

امروز ،

بهار و تابستان ۶۵

رقص شورانگیز کلمات بر صفحات "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران: "کنفرانس ملی حزب توده ای تشکیل شد". گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنفرانس. "پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!"

امروز ،

پاییز ۶۵ ،

رود مهلاد حزب

زیر زمین نور چرخش کاغذ اعلامیه بردستگاه پلی کیپی و انباشته شدن انبوهی از اعلامیه های حزب و "نامه مردم". رفیق توده ای، سرمست از عشق به زحمتکشان، بی اعتنا به ماموران گشت "ثارالله" و درست زیر چکمه های ارتجاع، آخرین برگ را از دستگاه چاپ بیرون می کشد.

امروز و هر روز

رفیق توده ای در کوچه ها و محله های فقر، در شلوغی توپخانه و سرویس کارخانه ها، در ترمینال جنوب، در میدان شوش، نازی آباد، خزانه، در نارمک، در جوادیه و خلاصه در همه جا، پیام حزبش را در وجدان توده ها نشا می کند.

یک گله کوچک

در شماره ۱۰۷ "نامه مردم" در زیر تیتر "کنفرانس ملی حزب توده ای ما تشکیل شد" بدرستی آمده است:

"در کنفرانس ملی جای رفقای در بند توده ای سخت خالی بود."

اما حق بود جایی نیز - ولو کوچک - به رفقای مقاوم و پایدار در داخل کشور و در زندانی بزرگتر، یعنی مبارزان متشکل در هسته ها و گروههایی که نتوانسته بودند در جلسات کنفرانس شرکت داشته باشند، ولی گوش به رادیوهای انقلابی، پیام حزبشان را به گوش جان می شنیدند و پیمان توده ها می بردند، داده می شد. بهرحال پیروز باشید.

- واقعا جای همه این رفقا خالی بود.

بهادنوی را "هو" کردند

در سخنرانی بهزاد نبوی در کارخانه "ایران خودرو" - در حالی که حضور همه کارگران شیفت کار الزامی اعلام شده بود - بالغ بر دوسوم کارگران شرکت نکردند. در جریان سخنرانی، بهزاد نبوی درباره نارسایی های کار و محرومیت های کارگران در نتیجه جنگ و مقابله "انقلاب اسلامی" با "قدرتهای مخالف" رژیم سخن گفت. هنگامی که پای سؤال و جواب پیش آمد، سیل سئوالهای کتبی و گفته های اعتراض آمیز شفاهی بسوی او جاری شد. نبوی پس از خواندن چند نامه گفت: من به نامه های بدون امضاء پاسخ نمی دهم. یکی از کارگران نویسنده نامه از میان جمع برخاست و پرسید: آقای نبوی آیا جنگ فقط برای ما کارگران است؟ نبوی پاسخ داد: نه، برای همه است. کارگر گفت: پس چرا به حقوق بعضی از مسئولان همین کارخانه پنجهزار تومان اضافه شد و حتی حقوقشان به بیست و پنجهزار تومان رسید، اما سرکارگران بی کلاه ماند؟ نبوی گفت: در جمهوری اسلامی حداکثر حقوق پانزده هزار تومان تعیین شده است. کارگر یادشده از میرخانی، مدیرعامل ایران خودرو که در جمع حضور داشت، سؤال کرد: حقوق شما چقدر است؟ او بناچار جواب داد: ۲۵ هزار تومان. نبوی در جمع کارگران ناچار از سکوت شد و هنگامی که موج اعتراض و همهله کارگران بالا گرفت، ترجیح داد که با اسکورت و ماشین ضدگلوله کارخانه را ترک کند. کارگران با هو کردن او بدرقه اش کردند.

زد و خورد در "حیت بهشهر"

اوایل بهمن، بین کارگران "حیت بهشهر" و مدیریت درگیری پیش آمد. مدیر کارخانه از ترس به دفتر کار خود پناه برد. کارگران می خواستند به زور وارد دفتر کاروی شوند، در نتیجه پای ماموران بمیان کشیده شد. اما مدیر نتوانست جان سالم بدر ببرد و از کارگران کتک مفصل خورد. موضوع این بود که کارگران می خواستند برای دوتن از همکارانشان که در جنگ کشته شده بودند به حساب کارخانه مجلس ختم بگیرند، اما مدیر مخالفت کرده بود. بعد از درگیری، مدیر به مقامات مربوطه مراجعه کرد و گفت من تأمین جانی ندارم.

مقاومت کارگران "اکریلتاب"

در نهم بهمن ماه هنگامی که کارگران شیفت صبح کارخانه "اکریلتاب" - تولیدکننده محصولات بافندگی - وارد کارخانه شدند، لیست اسامی ۱۸ نفر از همکاران خود را دیدند که تصمیم به اخراج آنها گرفته شده بود. کارگران خشمگین شدند و لیست را پاره کردند. هنگامی که با مقاومت منوچهری اصفهانی - صاحب کارخانه - مواجه شدند، او را کتک زدند و روانه بیمارستان ساختند. پس از آن، ماموران ژاندارمری حفاظت این واحد را بعهده گرفتند.

بقیه در ص ۲



از کارخانه ها، زندگی و رزم کارگران

کمبود مواد اولیه و کارگران صنوف

کمبود مواد اولیه در بسیاری از صنوف باعث کاهش تولید و اخراج کارگران شده است. تعداد بسیاری از کارگران تریکوباف که در کارگاههای کوچک و بزرگ کار می کردند بعلت کمبود مواد اولیه و تعطیلی کارگاه بیکار گشته اند.

قطع برق و کارگران

قطع برق باعث اخراج بسیاری از کارگران گردیده است. بخصوص کارگران صنوف کوچک بعلت قطع برق و کاهش تولید بیکار شده اند. مثلا در رشته هایی نظیر فلزکاری، درودگری، بلورسازی و رشته های دیگر که با برق سر و کار زیادی داشته باشند این امر بیشتر موثر افتاده است. قطع برق باعث می شود که شانس کاریابی بیکاران کمتر و کمتر شود.

فرستادن اجباری کارگران به جبهه

سابقا رفتن به جبهه داوطلبانه بود. (اگرچه کارگرانی که داوطلب نمی شدند به اشکال مختلف تحت فشار قرار می گرفتند). ولی در حال حاضر در بسیاری از کارخانجات کارگران را به اجبار به جبهه می فرستند. هرکس که از رفتن امتناع ورزد تهدید به اخراج می شود. در کارخانه استارلایت فرستادن اجباری کارگران به جبهه موجب اظهار نفرت کارگران از این عمل رژیم شده است. در شرکت گمرک کانتینر ترمینال واقع در جاده کرج جنب شیر پاستوریزه کارگرانی که به جبهه نروند رسماً تهدید به اخراج شده اند. در شرکت واحد کارگران رادر دسته های مختلف به مدت ۴۵ روز به جبهه می فرستند. اکثر کارگران به انحاء و شیوه های مختلف به این امر اعتراض می کنند ولی این اعتراضات سازمان یافته نیست. اخراج و قطع اضافه کاری و حق شیفت و برخی حقوق دیگر کارگران به بهانه کمبود تولید و اوضاع جنگی در بسیاری از کارخانجات امری رایج است.

بیست میلیون تومان برداشت و فرارکرد

پروین، مسئول حسابداری ایران خودرو معادل بیست میلیون تومان از موجودی ایران خودرو را برداشت و به انگلستان نزد خیامی رفت و پولها را تحویلش داد. خیامی او را متهم به بیعرضگی کرد، که چرا فقط ۲۰ میلیون تومان با خود آورده است. چالب این است که حسابدار فراری تلفنی از لندن با ایران تماس گرفت و خواست که دوران غیبت را به حساب مرخصی اش بگذارند.

در تدارک ماجراجویی تازه

راه حل امریکایی - اسرائیلی را با پرخ کشیدن قدرت نظامی به خلقهای منطقه تحویل نمایند. وارد آوردن فشار مستقیم بر سوریه که در ماههای اخیر آماج پرووکاسیونهای بیشرمانه از سوی ایالات متحده، انگلستان و آلمان غربی شد، بدون تردید یکی از هدفهای اصلی آتش افروزیهای کنونی است. روزنامه اسرائیلی "معارف" از اقدامات ماجراجویانه امریکا که می‌تواند بهیای گزافی برای مردم اسرائیل تمام شود ابراز نگرانی می‌کند و می‌نویسد: با ناو هواپیما و کشتی جنگی و بمباران و گلوله باران شهرها و روستاها که منجر به کشتار در میان اهالی بیگناه می‌شود نمی‌توان با آدم زبانی مبارزه کرد. و باید افزود که دولت اسرائیل در زمانهای اخیر، خود بدترین نمونه‌های آدم ربائی را در دریا و خشکی ارائه داده است.

مردم لبنان و مردم سراسر منطقه شدیداً نگران ماجراجویی تازه امپریالیست‌های امریکایی و صهیونیست‌های اسرائیلی هستند. حتی دولت‌های ناتوی اروپای غربی نیز احساس می‌کنند که دولت امریکا که می‌خواهد پای آنها را هم به ماجرا بکشد هدفهای ناپاکی در سر دارد.

در این میان نمی‌توان از نقش سران جمهوری اسلامی که آتش بیار توطئه‌های امپریالیستی در منطقه شده‌اند ابراز تنفر نکرد.

حمله وحشیانه هوایی چند روز پیش هواپیماهای اسرائیلی به یک اردوگاه فلسطینی در لبنان که پنجمین حمله در سال جاری میلادی بود، باردیگر نشان داد که صهیونیست‌ها برای دامن زدن هرچه بیشتر به آتش اختلافات در لبنان و جلوگیری از روند عادی شدن وضع در این کشور، از هیچ جنایتی رویگردان نیستند.

از یکسو نیروهای جنبش امل، دوستان نزدیک رژیم خمینی، اردوگاههای فلسطینی را زیر آتش مداوم جنگ افزارهای خود گرفته‌اند و از سوی دیگر صهیونیست‌های اسرائیلی خانه‌های محقر فلسطینی‌های آواره را با خاک یکسان می‌سازند. ایران "اسلامی" و اسرائیل صهیونیستی بگونه‌ای هماهنگ علیه سازمان آزادیبخش فلسطین و آوارگان فلسطینی عمل می‌کنند، همانگونه که فریادهای "مرگ پر آمریکا" و "مرگ بر اسرائیل" مانع ارسال موشک‌ها و لوازم یدکی هواپیماها از امریکا با همکاری اسرائیل، برای ج.ا. نشده است.

اگر در منطقه خلیج فارس بروشنی می‌توان دید چه کسانی به امپریالیسم امریکا پنهان می‌دهند تا کشتی‌های جنگی و ناوهای هواپیما خود را در آنجا مستقر کند، در لبنان شناخت گردانندگان اصلی گروه‌های آدم‌ربا دشوارتر است. ولی نمیتوان در این واقعیت تردید کرد که هم در خلیج فارس و هم در لبنان تنش فزائی بسود امپریالیسم امریکا و صهیونیسم اسرائیل تمام می‌شود. بنا بر این هیچ بعید نیست که سرخ این گروه‌های ظاهراً واپسته به "مستضعفان" در دست خود کسانی باشد که از اقدامات نادرست آنها بهره برداری می‌کنند.

دولت کنونی امریکا که در سراسر کره زمین موضع تجاوزکارانه‌ای علیه دیگر کشورها دارد و صلح و امنیت بین‌المللی را بپازی گرفته است، علناً به تروریست‌ها و جنایتکاران در نیکاراگوئه، افغانستان، آنگولا، کامپوچیا و غیره کمک نظامی و مالی می‌کند و گهگاه خود نیز به تروریسم دولتی متوسل می‌شود. اما اینک همین دولت پنهان مبارزه با تروریسم ۲۷ کشتی جنگی خود را در بندرهای اسرائیل در نزدیکی لبنان مستقر کرده است. صهیونیست‌های اسرائیلی هم که از تشکیل احتمالی کنفرانس بین‌المللی برای حل مسئله خاور نزدیک نگرانند و هرگاه که اوضاع وخیم میشود خود را مانند ماهی در آب احساس می‌کنند آماده‌اند در هجوم امپریالیسم امریکا به لبنان شرکت کنند. بیگمان هدف دولت امریکا و دولت اسرائیل انجام یک "ماموریت بشردوستانه" برای نجات چند گروگان نیست، بلکه می‌خواهند برنامه‌های تحقق نیافته تجاوز پیشین را از نودنبال کنند

مردم آفریقای جنوبی پیروز خواهند شد

رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی که گرفتار بحرانی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است، در برابر اوچگیری مبارزات مردن و اعتراضات روزافزون آنان علیه جداسازی نژاد (آپارتاید)، هرچه بیشتر به زور و سرکوب متوسل می‌شود. رژیم پرتوریا برای هموارکردن راه برگزاری انتخاباتی که فقط اقلیت سفیدپوست حق شرکت در آن را دارند، اکثریت سیاه پوست کشور را زیر فشار بیشتری قرار داده است.

اما مبارزه مردم آفریقای جنوبی در همه جا، حتی در سخت‌ترین شرایط زندانهای رژیم ددمنش آپارتاید ادامه دارد. اخیراً وزیر دادگستری رژیم آفریقای جنوبی در پارلمان این کشور برای نخستین بار اعتراف کرد که در زندانها ناآرامی‌های گسترده‌ای بوجود آمده و پلیس برای سرکوب زندانیان ۲۰ بار از گاز اشک آور استفاده کرده است. او همچنین اعتراف کرد که در زندانهای آفریقای جنوبی ۱۵۰۰ مورد اعتصاب غذا وجود داشته است. زندانیان آفریقای جنوبی این مبارزه گسترده را در شرایطی انجام می‌دهند که رژیم از هیچگونه وحشیگری در زندانها رویگردان نیست. در گزارشی که سازمان ملل در مورد آفریقای جنوبی تهیه کرده است، رژیم "پرتوریا" به نقض ابتدایی‌ترین موازین حقوق بشر در مورد کودکان زندانی متهم شده است. طبق این گزارش بسیاری از این هزاران کودک زندانی که در شرایط حکومت نظامی بازداشت شده‌اند "مورد شکنجه جنسی" قرار گرفته‌اند.

رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی درخواستهای بین‌المللی برای آزادی هزاران کودک زندانی سیاهپوست را که بسیاری از آنان حتی کمتر از ۱۱ سال دارند، رد کرده است. در گزارش سازمان ملل گفته می‌شود که به رغم سرکوب جمعی دانش آموزان سیاهپوست آگاهی بیشتری در مورد ناعادلانه بودن آموزش نژادپرستانه و بطورکلی آپارتاید، بدست آورده‌اند.

اخیراً کشورهای خط مقدم جبهه به شورای امنیت سازمان ملل پیشنهاد کردند که تعدادی تحریم‌های اجباری علیه دولت نژادپرست آفریقای جنوبی را تصویب کند. امریکا و بریتانیا، این دو دژ ارتجاع حامی رژیم "پرتوریا" قطعنامه شورای امنیت را وتو کردند. اما مردم آفریقای جنوبی در تحقق رهنمود "کنگره ملی آفریقا" برای غیرممکن کردن کنترل و اداره کشور بجان می‌کوشند. طبق ارزیابی "کنگره ملی آفریقا" شکست رژیم آپارتاید اجتناب‌ناپذیر است. رژیم آفریقای جنوبی لکه‌ننگی است بر دامن بشریت و مردم رزمنده این کشور با عشق به آزادی و بی‌هراس از مرگ در راه پاک کردن این لکه‌ننگ مبارزه می‌کنند.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

حساب بانکی ما:
Sweden
Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 040012650
Dr. John Takman

کمک‌های مالی رسیده:

- پویا ۵ دلار
- چاووش ۶ دلار
- ازدالاس ۹۷ دلار
- از نیویورک ۲۸۷ دلار
- پاپک و فریده ۱۴ دلار
- مینا ۱۰۰ دلار
- پیوند ۱۰۰ دلار
- به یاد پیمان ۳۸ مارک
- پهروز و مهرداد ۵۰ دلار
- از هندوستان ۶۰ روپیه
- از هندوستان ۷۰ روپیه
- بیگوند ۷۰۰ روپیه

NAMEH
MARDOM
Nr. 147

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

24 March 1987

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است